

نقش تعامل سازنده استان‌ها در مهار تورم و رشد تولید



محسن راجی اسدآبادی
کارشناس و پژوهشگر اقتصادی

با انتشار نرخ بیکاری و تورم به تفکیک هر استان در هفته‌های اخیر، شاهد بالا رفتن حساسیت‌های اجتماعی و نقد نخبگان هر استان بر نحوه اجرای سیاست‌های مهار تورم و رشد تولید در این استان‌ها و کل کشور بوده‌ایم. با نگاهی به گزارش مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس، درک خواهیم کرد، مردم در استان‌های کم‌برخوردار که نرخ تورم بالاتری را احساس کردند، سهم بیشتری از درآمد کم خود را نسبت به سایر استان‌ها صرف خرید مواد غذایی و اجاره‌بها کردند و این سوال پیش می‌آید که استان‌ها در مهار تورم و رشد تولید دارای چه ابزارهایی هستند؟

اقتصاد کشورهای در حال توسعه همواره از درجه بالای ناطمینی و بی‌ثباتی رنج می‌برد. در این کشورها، نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ ارز واقعی، نرخ‌های بهره و دیگر متغیرهای کلان اقتصادی با نوسانات بالایی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی روبه‌روست که پیامدهای چنین نوسانات و ناطمینی‌های مابین عملکرد کلی حکمرانی آن کشورها تأثیرگذار است.

عوامل محیطی که یک سیستم اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی می‌شوند. عوامل سیاسی، آیین‌نامه‌های دولتی و قوانین رسمی کشور نیز شامل سیاست مالیات، تعرفه‌های تجاری، قوانین رسمی، پایداری سیاسی و غیره می‌شوند. عوامل اقتصادی، تأثیرگذاری روی قدرت خرید خانوار و هزینه سرمایه‌های نگاه‌های اقتصادی است که می‌تواند شامل نرخ تورم، هزینه مبادله، رشد اقتصادی و غیره باشد. عوامل اجتماعی، جنبه‌های فرهنگی (نهادهای غیررسمی) و جمعیتی تأثیرگذاری بر انتخاب و مایحتاج‌های خانوار و اندازه بازار است؛ به طور مثال نرخ رشد جمعیت، توزیع سنی، رفتار و مهارت‌های شغلی و غیره. عوامل تکنولوژیکی، تأثیرگذاری بر سطوح تصمیم‌گیری و کاهش حواقل بهروری در تولید است که برای مثال شامل فعالیت بخش تحقیق و توسعه، مکانیزه کردن، نرخ تغییرات تکنولوژیکی و غیره است.

تقریباً همگان شناخت واحدی از تورم دارند که عمومی‌ترین تعریف آن افزایش بی‌رویه و مداوم سطح قیمت‌ها و کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم است، اما به زبان تخصصی‌تر تورم یعنی عدم تناسب سرعت پول در گردش با تقاضای کل و حجم پول در گردش با عرضه کالا و خدمات که مهم‌ترین عامل آن نابرابری در عرضه و تقاضای کل در سطح کشور است. تورم اگر ملایم باشد، به تولید کمک می‌کند چراکه انجام هزینه‌ها زودتر از درآمد‌هاست، بنابراین در دوران تورم هزینه‌ها کمتر از درآمد‌ها بالا می‌رود و رشد تولید

و به تبع آن رشد اقتصادی شکل می‌گیرد، در مقابل اگر تورم شدید باشد افراد به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت روی نمی‌آورند و به کارهای زودبازده تمایل نشان می‌دهند، در این حالت تورم به تولید لطمه می‌زند. تورم در سطوح بالا علاوه بر آنکه نظام حکمرانی را مختل می‌کند، موجب کاهش پس‌اندازها از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه از بخش‌های واقعی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و در نهایت کند شدن رشد اقتصادی می‌شود. تورم دارای اشکال متفاوتی است که می‌توان به برخی از آنها چون تورم ناشی از فشار تقاضا یا کاهش تقاضا، تورم ساختاری، تورم ناشی از تنگنای عوامل تولید، تورم پولی و تورم رکودی اشاره کرد.

رکود تورمی بیشترین تأثیر را بر نهادهای تولیدی و ارزش کالاها دارد که ناشی از فشار هزینه است. رکود تورمی شرایطی است که در آن سطح قیمت‌ها و بیکاری تومانی افزایش می‌یابد. دلیل رکود تورمی از منظر اقتصاد کلان، کاهش عرضه کل بیشتر از افزایش تقاضای کل است که از منظر مکاتب مختلف اقتصادی دلایل و ریشه‌های متفاوتی دارد. به طور مثال:

- تورم ناشی از سمت عرضه یا فشار هزینه تورمی شامل سیاست‌های مالی دولت (مکتب نئوکینزی)
 - فشار هزینه تورمی (مکتب نئوکلاسیک)
 - انتظارات تورمی ناشی از افزایش دستمزد (مکتب کینزی‌های جدید و پول‌گرایان)
 - مداخله‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی (مکتب کلاسیک‌های جدید)
 - رشد پول اعتباری مازاد بر رشد محصول (مکتب اتریشی)
 - تمرکز بازار بر اختیار گروه‌های خاص و پرنفوذ (نظریه انباشت تقاضای)
- با وجود یک درک واحد از مفهوم تورم، در مورد علل شکل‌گیری و راهکارهای کنترل آن در بین اقتصاددانان اتفاق نظر یکسانی وجود ندارد. البته نگاه بیشتر اقتصاددانان به مفهوم تورم بیشتر از اینکه متوجه ارزش کالاها همچون «هزینه مبادله، ساختار نهادی، عوامل اجتماعی، تاریخی و جغرافیا، آمایش سرزمین، پیچیدگی اقتصادی و دانش مولد، مزیت نسبی و بهروری، بهبود فضای کسب‌وکار و ارزش افزوده» بر اساس توانایی و قابلیت‌های هر استان باشد، به سمت ارزش پول یعنی «بخش‌ارز» کسری بودجه، حجم نقدینگی، نرخ بهره بانکی، دستمزد، مالیات و سایر سیاست‌های مالی، پولی و تجاری» در سطح حاکمیت و کلان است. قطعاً سیاست‌های پولی و مالی در سطح کلان بسیار دارای اهمیت است و تأثیرات آن در قالب ارزش پول ملی نمایان می‌شود که در این مقاله به بعد ارزش کالا و محیط نهادی استان‌ها توجه خواهیم داشت.

رشد و الگوهای توسعه‌ای

رشد در لغت به معنای هر گونه افزایش در حد میزان مولفه‌ای به عبارتی افزایش میزان تولید است. در بیان اقتصادی، رشد را به صورت افزایش شاخص‌های کمی اقتصاد نظیر تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه نسبت دوره‌ای به دوره دیگر تعریف می‌کنند. شومپیتر رشد را تغییرات آرام و تدریجی در شرایط اقتصادی بلندمدت می‌داند که در نتیجه افزایش تدریجی در نرخ پس‌اندازها و جمعیت ایجاد می‌شود. رشد متضمن معنای بسط زیرساخت اقتصادی است. توسعه در کنار مفاهیم افزایش درآمد سرانه، کاهش تورم و رشد تولید، مواردی چون توانمندسازی جامعه با محور قرار دادن انسان را در نظر دارد و مستلزم شکوفایی همه ابعاد حیات انسانی است.

دو نکته درباره مفاهیم رشد و توسعه قابل بحث است؛ نخست به‌دلیل حیطه گسترده تعریف توسعه، می‌توان یک وظیفه حساس و اصلی را برای آن در نظر گرفت و آن عبارت است از هماهنگ کردن ابعاد مختلف رشد. نکته دوم آن است که رشد بیشتر مسائل مادی را شامل می‌شود در حالی که توسعه در پی تحقق آن است که رشد مادی انسان در خدمت تعالی و رفاه وی باشد.

توسعه یک فرآیند بسیار پیچیده است که لازمه آن جامع‌نگری در طراحی و بهیچ‌نهادها در جهت‌دهی فرآیندها است. اتخاذ سیاست‌ها در فرآیند توسعه حساس است زیرا یک تصمیم می‌تواند متضمن نتایج مختلف در بخش‌های متفاوت جامعه باشد. استیگلیتز نوبلیست اقتصادی و معاون بانک جهانی با بیان انتقاداتی از توصیه‌های یکسان این بانک به کشورهای در حال توسعه بدون در نظر گرفتن اقتضائات ساختاری و نهادی این کشورها معتقد است این الگوهای توسعه‌ای کشورهای توسعه‌یافته نه تنها آنها را به توسعه اقتصادی نرساند بلکه مشکلات این کشورها را حادث و بر خلاف منافع کشورهای فقیر و در حال توسعه عمل کرده است. وی بر این باور است که تعامل سازنده عوامل نهادی می‌تواند راهگشای موفقیت فرآیند رشد اقتصادی باشد. به عقیده استفان درکان متخصص حوزه توسعه بین‌الملل «استاد و مدیر مرکز مطالعات اقتصاد آفریقای دانشگاه آکسفورد» در کتاب «Gambling on Development»، کشورهای موفق در مسیر توسعه، سیاست‌های ترکیبی بسیار متفاوتی را دنبال کرده‌اند، برخی از این دولت‌ها بر مدیریت پس‌انداز داخلی و عده‌ای دیگر بر سرمایه‌گذاری خارجی تمرکز داشته‌اند، برخی هدف خود را صادرات و برخی دیگر توسعه زیرساخت‌هایی مانند آموزش همگانی و بهداشت قرار داده‌اند. وی معتقد است نسخه‌ای واحد برای توسعه وجود ندارد که بتوان با اطمینان گفت برای همه کشورها کار می‌کند و تعهد بخش نخبه هر جامعه به ایجاد توسعه اقتصادی پیش شرط اصلی توسعه است.

مایکل اسپنس برنده نوبل اقتصاد معتقد است هیچ دستورالعمل ثابت و قطعی برای توسعه وجود ندارد، اگرچه ممکن است ما بعضی از اجزای تشکیل‌دهنده آن را بدانیم. همچنین ایزابل ویر در کتاب «چین چگونه از شکوفه درمانی گریخت؟» با بررسی دقیق تاریخی و اقتصادی مسیر توسعه چین به وضوح می‌گوید، که یافتن فرمول توسعه برای رشد و توسعه هر کشور، مستلزم آزمون و خطاست که به صورت تدریجی و در قالب اصلاح فرآیندهای نهادی آن کشور به دست می‌آید. به طور مثال آب که مهم‌ترین مولفه افزایش هزینه تولید در کشورهای مناطق جغرافیایی خشک و بیابانی است، در مکاتب اقتصادی این مولفه مهم مانند نرخ دستمزد، نیروی کار و... در مدل‌های اقتصادی به چشم نمی‌خورد. این مساله بسیار حیاتی، به دلیل پراکندگی کشورهای صنعتی پیشرو در اقلیم‌های معتدل و کوهستانی که دارای آب فراوانی بوده است، مورد توجه اندیشمندان مکاتب مختلف اقتصادی نبوده است. البته طی دهه‌های اخیر به دلیل بحران نوظهور تغییر اقلیم و تخریب محیط‌زیست، هزینه مبادله آب بعضاً و به طور تخصصی در محافل علمی مطرح شده و با وجود اهمیت حیاتی آن برای مناطق خشک و کم‌آبی مثل کشورهای، این مولفه مهم همچنان در مدل‌های اقتصادی به عنوان جزو اختلال دیده می‌شود. ساختار نهادی در هر کشور با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و... آن کشور با سایر کشورها و بعضاً هر استان با سایر استان‌ها در یک کشور متفاوت است.

با توجه به کند بودن تغییرات نهادهای غیررسمی در مسیر تعامل سازنده فی‌مابین بخش خصوصی و دولتی، شاهد عدم بهره‌وری و بهره‌مندی از کل ظرفیت منابع کشور به منظور رشد و توسعه در سطح ملی و استانی هستیم

باشیم. استان‌ها می‌توانند با جلوگیری از هم‌شکلی در صنایع در استان خود و با مراجعه به گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان، ضمن تنوع در تولید محصول، پیچیدگی اقتصادی منطقه خود را براساس مزیت نسبی سنجدیده و با پیوند با سایر استان‌های مجاور ارزش افزوده خود را افزایش دهند.

۴- طراحی هزینه‌های استهلاک

از آنجا که در کشور شاهد افت بهره‌وری سرمایه، بیشتر از نیروی کار هستیم، طراحی هزینه‌های استهلاک تأثیر متفاوتی بر صنایع مختلف با عمرهای متفاوت سرمایه‌ای دارد. انباشت سرمایه، موتور محرک رشد اقتصادی است و چنانچه در اقتصادی سرمایه‌گذاری نشود، بزرگ شدن حجم اقتصادی هم در کل نخواهد بود. استان‌ها با برنامه‌ریزی دقیق و دادن معافیت‌ها و مشوق‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی می‌توانند بخش صنعت را به منظور نوسازی و افزایش انباشت سرمایه تقویت کنند.

سیاست‌های برنامه‌ریزی کلان و بودجه‌ای هر استان بر ساختار صنعت آن تأثیر دارند، بنابراین گریزی از تامل در تأثیرات متفاوت سیاست‌های مختلف بر بخش‌های مختلف نیست. مدل‌های رشد درون‌امعتمد که انباشت سرمایه می‌تواند نرخ روند بلندمدت رشد اقتصادی را افزایش دهد، با این حال، برای مجاز کردن انباشت سرمایه لازم است نسبت‌های پس‌انداز افزایش یابد.

در ایامی که استان‌ها مجبور به کاهش مصرف انرژی هستند و سراغ کاهش میزان انرژی صنایع و کارخانجات می‌روند، استان‌های دارای قابلیت می‌توانند با برنامه‌ریزی استراتژیک و انباشت سرمایه در توسعه‌آموز زیربنایی خود در آب، برق و سایر انرژی‌ها با همکاری بخش خصوصی اقدام به تأمین انرژی مورد نیاز صنایع خود کنند تا ضمن توسعه زیرساخت‌های استان، انگیزه مضاعفی برای سایر کارآفرینان به منظور سرمایه‌گذاری باشد.

۵- ثابت کردن قیمت خدمات دولتی

هزینه فرصت یک مفهوم تعیین‌کننده در تحلیل‌های اقتصادی است. هزینه فرصت زمانی است که بابت انجام یک کار، فرصت اجرای ایده‌های دیگر را به تعویق انداخته یا از دست می‌دهیم. از آنجا که اقتصاد کشورمان دولتی است، افزایش قیمت کالاها و خدمات انحصاری که دولت عرضه می‌کند، سهم بسیار زیادی در افزایش تورم در کشور به خصوص استان‌ها دارد. از مهم‌ترین راهکارهای تثبیت قیمت‌ها در شرایط تورم زده فعلی کشور جلوگیری از هر عاملی است که می‌تواند قیمت تمام‌شده کالا را افزایش دهد، از جمله خدمات دولتی شامل بخش‌های انرژی، حمل‌ونقل، مشاوره و غیره است که می‌تواند روند افزایش قیمت‌ها را به نفع کاهش تورم متوقف کند. استان‌های کم‌برخوردار می‌توانند با ارزیابی و تعامل سازنده با نمایندگان محترم مجلس و اعضای هیأت وزرا و همچنین استفاده بهینه از ابزارهای موجود در استان، از افزایش تورم در آن استان جلوگیری کنند.

در ادامه می‌توان سایر مولفه‌های تأثیرگذار بر رشد تولید و مهار تورم را به شرح ذیل نام برد.

- ۶- تولید فناوریانه و نوآوری
- ۷- تأمین نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی از طریق سرمایه‌های خرد مردمی به منظور مشارکت
- ۸- گسترش و ایجاد زیرساخت‌های تولیدات خانگی
- ۹- تکمیل طرح‌های نیمه تمام عمرانی با مشارکت بخش خصوصی
- ۱۰- اجرای طرح توسعه واحدهای صنعتی بزرگ با مشارکت بخش خصوصی
- ۱۱- چابک‌سازی ساختار بوروکراسی دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها
- ۱۲- سرمایه‌گذاری درآمدهای حوزه انرژی در استان‌ها صرف‌آورد امور زیربنایی

قوانین رسمی، هنوز در بیشتر استان‌های کشور به دلیل عدم التزام مدیران دولتی به تدوین، انتشار عمومی، اجرا و نظارت عمومی برنامه‌های توسعه‌ای در استان‌ها و مشورت با بخش خصوصی، دچار اختلال و ضعف در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های تولیدی، اشتغال و سایر مولفه‌های اقتصاد کلان شده که به دلیل عدم فهم در فرآیند تحول اقتصادی در قالب ستادهای رفع موانع (به صورت موردی)، دچار روزمرگی شده‌اند. فرآیندهای تحول اقتصادی در کشور به دلیل رفتارهای دیوان سالاری برخی از کارکنان دولتی در اجرای قوانین، مصوبات و بخشنامه‌ها (نهادهای رسمی) دولتی و همچنین به دلیل ریشه‌دار بودن این تفکر در بخش عمومی (مک‌لنود در گزارش تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران در دهه ۳۰ شمسی، این نکته را مدنظر می‌شود) سالیان سال مدیران و فعالان بخش خصوصی پشت درب اتاق مدیران دولتی معطل بوده و این نگرش باعث ایجاد ادراک فاصله بین بخش خصوصی و بخش عمومی در سطح استانی و ملی و شکل گرفتن نهادهای فراگیر ناکارآمد غیررسمی شده است. با توجه به کند بودن تغییرات نهادهای غیررسمی در مسیر تعامل سازنده فی‌مابین بخش خصوصی و دولتی، شاهد عدم بهره‌وری و بهره‌مندی از کل ظرفیت منابع کشور به منظور رشد و توسعه در سطح ملی و استانی هستیم. با توجه به مطلب فوق، یکی از مهم‌ترین اقدامات به منظور بهره‌مندی از ظرفیت بخش خصوصی، الزام استان‌ها به حرکت در راستای برنامه توسعه‌ای استان‌ها و مشارکت دادن ذخیره دلایی و بخش خصوصی در تدوین، تصمیم و اجرای برنامه‌های کلان استانی با ایجاد نهادهای غیررسمی فراگیر به منظور کاهش هزینه مبادله است.

۲- خلق زنجیره ارزش پایدار

مفهوم ارزش یکی از پرکاربردترین مفاهیم در علوم اجتماعی، اقتصادی و مدیریت به طور خاص است. در چند سال اخیر، درک و خلق ارزش پایدار همواره یکی از عناصر راهبردی کسب و کارها بوده است و استان‌ها با برنامه‌ریزی بخشی منطقه‌ای براساس مزیت نسبی و تعامل سازنده با بخش خصوصی به عنوان یک پارادایم جدید مدیریت و خلق ارزش می‌توانند فرصت‌های ایجاد ارزش پایدار از طریق کاهش هزینه، کاهش ریسک، تمایز محصول و ارائه محصولات سازگار با محیط زیست را ایجاد کنند.

۳- پیچیدگی اقتصادی

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کاهش تورم، افزایش عرضه و رشد محصول است که از طریق افزایش ظرفیت و تنوع تولید محصولات پیچیده براساس مزیت نسبی رشته فعالیت‌های اقتصادی (ستانده، مصرف واسطه‌ای و ارزش افزوده) هر استان، باعث شکل‌گیری مازاد عرضه و در نهایت کاهش تورم در اقتصاد شود. میزان دانش استان‌ها نسبت مستقیمی با انواع محصولات تولیدشده در آن استان‌ها دارد که می‌توان با ایجاد زنجیره مزیت نسبی بین استان‌ها، پیچیدگی اقتصادی را در کشور افزایش داد.

تولید هر محصول نیازمند آراپودن دانش‌های خاصی است و هر چه تولیدات یک استان متنوع‌تر باشد یعنی دانش شکل گرفته و تجمیع شده بیشتری در آن استان وجود دارد. در استان‌هایی که بخش‌هایی از این مجموعه قابلیت‌ها غایب باشند، امکان ایجاد تولید محصولات متنوع وجود ندارد. بنابراین اقتصادهای پیچیده اقتصادی‌هایی هستند که می‌توانند حجم زیادی از دانش مرتبط را در قالب شبکه‌های بزرگ افراد گردهم جمع کرده و مجموعه متنوعی از کالاهای دانش‌بر را تولید کنند. در واقع انباشت دانش مولد در اقتصادهای پیچیده از طریق افزایش عرضه محصولات متنوع‌تر با پیچیدگی فزاینده، رشد درون‌زا را برای اقتصاد به دنبال دارد و انتظار می‌رود همراه با رشد اقتصادی شاهد افزایش عرضه کل اقتصاد و کاهش تورم

■ مهار تورم و رشد تولید

با توجه به بیان نظریات مختلف مکاتب اقتصادی و نبود اجماعی مشخص در خصوص تورم و عدم قابلیت اجرایی شدن الگوهای توسعه‌ای کشورهای توسعه‌یافته در سایر کشورها، کشورهای در حال توسعه نیازمند شناخت دقیق‌تری از شرایط حاکم بر کلیه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و نهادهای خود هستند. براساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، ضعف ساختار و عملکرد نهادهای یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی کشورهاست.

به قول استاد فقید رضایی اگر کسی بخواهد شناخت دقیقی از سطح کلان (کشورها) و سطح خرد (استان‌ها و بنگاه‌ها) کشورها به دست آورد، باید کلیه مولفه‌های آن کشور را مورد توجه قرار دهد، همچنان که اگر تمام مولفه‌های اقتصاد کلان و خرد آن کشور را شامل میزان تولید، میزان صادرات، نرخ بیکاری، نرخ اشتغال و تابع عرضه و تقاضا و... بداند، اما هزینه مبادله را در آن کشور نداند، نمی‌تواند به تفاوت بین کشورها دست پیدا کند. هزینه مبادله به اضافه هزینه تولید، هزینه بنگاه را تشکیل می‌دهد. بنابراین پژوهشگران، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی باید مصادیقی را بشناسند که روی عملکرد تأثیر می‌گذارد در کشورهای در حال توسعه، عملکرد اقتصادی معمولاً تحت تأثیر ساختار سیاسی قرار می‌گیرد و از آنجا که ساختار خطمشی‌گذاری و نحوه اجرا در سطح کلان تنظیم می‌شود، عملاً استان‌ها ابزار معناداری برای نقش‌آفرینی در کاهش یا افزایش مولفه‌های کلان اقتصادی مانند ابزارهای کنترل تورم، ابزارهای رشد تولید اعم از نرخ دستمزد، تعرفه‌های مالیاتی، ابزارهای محلی پولی و مالی و سایر موارد که قبلاً بیان شده است، ندارند. بنابراین این سیاست‌ها که باید در سطح خرد دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها و بنگاه‌ها و خانوار انجام پذیرد، به دلیل عدم شناخت دقیق از عوامل نهادهای تأثیرگذار روی عملکرد در سطح خرد، هزینه مبادله را بالا برده و پس از مدت کوتاهی با ایجاد ساختارهای جدیدی از قوانین غیررسمی شاهد شکست سیاست‌های کلان یا تأثیرات کم آن بر توسعه کشور خواهیم بود. متأسفانه به دلیل عدم تعامل سازنده نهادهای در رفع مشکلات و تشدید نوسانات و نااطمینانی‌ها در عملکرد کلی حکمرانی این کشورها، اصل برنامه‌ریزی زیر سوال می‌رود که در این صورت دولت‌ها دچار روزمرگی در سطح کلان و به تبع آن در سطح خرد خواهند شد. این دولت‌ها برای خروج از چرخه‌های شوم اقتصادی از مرحله برنامه‌ریزی که برای زنده نگه داشتن و رشد در محیطی پویا و متغیر مهم است به سمت ابزارهای برنامه‌ریزی در الگوی جامع مدیریت استراتژیک مانند تخصیص منابع (بودجه)، تصمیم‌گیری (شوکر درمانی) و سایر مولفه‌ها، تغییر ماهیت می‌دهند و با جذب بودجه و هزینه در امور روزمره، حل مسائل و مشکلات را برای مدت کوتاهی به تعویق می‌اندازند، این رویکرد در میان مدت باعث کاهش سرمایه اجتماعی دولت‌ها و ایجاد قراردادهای اجتماعی جدید بین مردم می‌شود که هزینه حاکمیت را افزایش خواهد داد.

■ نقش استان‌ها در تعامل سازنده عوامل نهادهای

با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت شناخت دقیق عوامل تأثیرگذار نهادهای روی عملکرد، نقش استان‌ها در مهار تورم و رشد تولید را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

۱- تسهیل و بهبود فضای کسب و کار

امروزه دولت‌ها برای رسیدن به اهداف کلان در میان مدت و بلندمدت و افزایش رضایت شهروندان در کوتاه‌مدت به همگامی و همراهی بخش خصوصی با سیاست‌های توسعه‌ای خود نیاز دارند. در کشورمان با وجود رسیدن به این آگاهی و بیان در گفتار و تأکید در